

” کاتیا سلماسی “

در صندوقخانه شاهی

چندی پیش به مناسبت تحقیقاتی که درباره وجه عکاسی دوستمحمدخان معیرالممالک داشتم ، عکسی^۱ به همراه يك نامه از خانم تاج الدوله - همسر ناصرالدین شاه - برای بررسی در اختیار نگارنده قرار گرفت . این عکس و نامه هر دو با هم از قدیم در يك پاکت در بین مجموعه ای از تصاویر خاص دوستمحمدخان معیرالممالک قرار داشته است .

خجسته خانم تاج الدوله نخستین همسر عقدی است که ناصرالدین شاه قاجار پس از به سلطنت رسیدن اختیار کرد. خانم تاج الدوله، خواهر جهانگیر میرزا و از نوادگان فتحعلی شاه قاجار بوده است، وی همواره از زنان مورد احترام و طراز اول دربار ناصرالدین شاه و مادر ولیعهد درگذشته او ”معین الدین میرزا“ بود. عصمت الدوله تنها دختر تاج الدوله بنابر تقاضای دوستعلی خان نظام الدوله معیرالممالک، پدر دوستمحمدخان، در سال ۱۲۸۷ هجری قمری/ ۱۸۷۰ میلادی با معیر جوان ازدواج کرد. دوستمحمدخان که فردی هنرمند و هنردوست

۱ - بعضی از عکس شناسان قدیم ایران آن را قدیمی ترین عکس در تاریخ عکاسی ایران می دانستند.

بود به اکثر رشته های هنری رایج در عصر خود علاقه بسیار داشت و در آن میان عکاسی یکی از چند رشته هنری بود که بدانها می پرداخت .

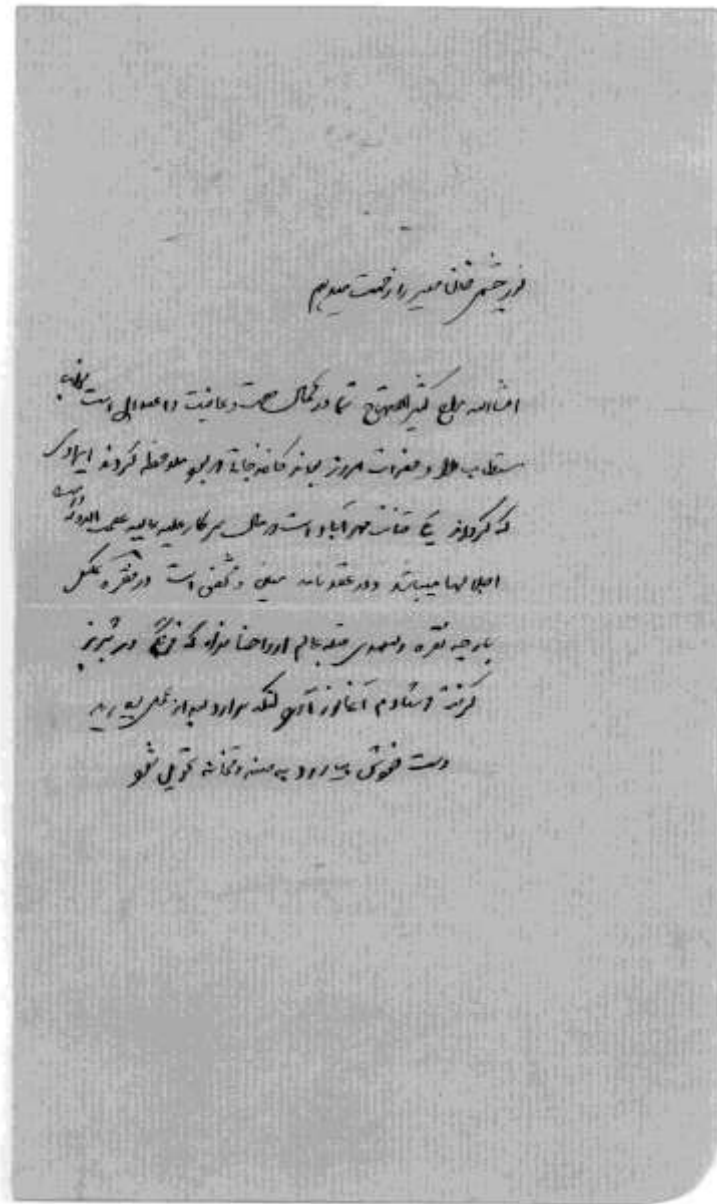
چنانکه از افراد مطلع خانواده معیرالممالک شنیدم دوستمحمدخان معیرالممالک بسیار دقیق و منظم بود و بنابر عادت اسناد و مدارک مربوط به بیشتر چیزهای ارزشمندی را که در اختیار داشته به همراه همان شئی حفظ می کرده، بطور مثال با توجه به علاقه و احترامی که معیرالممالک نسبت به میرزا غلامرضا اصفهانی خوشنویس عهد قاجار داشت، یادگارهای استاد خوشنویس از قبیل جعبه قلمدان، قلمتراش و قط زن و انگشتر میرزا غلامرضا را به همراه یادداشتی درباره هر کدام نگهداری می کرده است. به این ترتیب عکس و سند مورد بحث نیز به همراه هم به یادگار گذارده شده اند .

نامه یادداشتی است از تاج الدوله خطاب به داماد خود معیرالممالک که به خط شکسته تحریری، با جوهر آبی و قلم فلزی بر روی کاغذ فرنگی سبز کمرنگ با کادر عمودی و به ابعاد ۱۹,۷ × ۱۱,۶ سانتیمتر نوشته شده و سرنامه مههور به مهر برجسته (مهر سفید) تاج الدوله است. از نوع نگارش (دستخط) چنین برمی آید که تاج الدوله متن را به شخص دیگری، احتمالاً يك منشی دیکته کرده است، نامه متأسفانه بدون تاریخ است .

متن و اصل سند به این شرح است :

” نور چشمی خان معیر را زحمت میدهم

انشالله مزاج کثیرالابتهاج شما در کمال صحت و عافیت و اعتدال است نواب مستطاب والا و حضرات امروز بودند کاغذجاتی که بود ملاحظه کردند ایرادی که کرده اند یکی قنات مهرآباد است که مال سرکار علیه عالییه عصمت الدوله دامت اجلالها میباشد و در عقدنامه معین و مشخص است در فقره عکس پارچه نقره ولیعهدی قبله عالم ارواحنا فداه که فرنگی در تبریز گرفته فرستادم آغانور آورد لنگه ندارد بعد از عمل بسپارید دست خودش بیاورد به صندوقخانه تحویل شود“



فرخنده خان میرزا قنات

اشاره به یک تصویر نقاشی که در کتابت و کفایت و اعتماد است
سند به بلاد و غیرت هرگز به این کافه خانه از کوه معلوم کرده اید
که در روز یک قنات مهر آباد است و مثل هر کار دیگر با همه علم الدوله
اولیایها میسرند و در عهد نامه سین و کفن است در فقره عکس
پارچه نقره و مسی در عهد نامه ارواحنا فراد که در روز
روزت آسودم آغاز آن بود که هر دو در عهد نامه
دست قنات به ۱۱۱۱ به دست و کفایت کمال شو

بخش اول نامه در مورد قنات مهرآباد است که مربوط به بحث ما نیست. در بخش دیگر این نامه خانم تاج الدوله به يك فقره عکس پارچه نقره ولیعهدی قبله عالم (ناصرالدین شاه) اشاره دارد و از آن به عنوان يك شئی با ارزش و منحصر بفرد یاد می کند و به همین دلیل خانم تاج الدوله "عکس" را بدست یکی از خواجگان مخصوص خود (آغانور) سپرده که مامور بازگرداندن و تحویل آن به صندوقخانه شاهی نیز هست و در یادداشت خود به یگانه بودن آن نیز اشاره کرده است. از آنجا که در ثبت تصویر به روش داگروتایپ (Daguerrotype) از صفحات نقره و یا صفحات مسی نقره اندود استفاده می شده در متون فارسی مربوط به عکاسی در عهد قاجار از کلمه صفحه نقره نیز به عنوان معادل فارسی داگروتایپ استفاده شده است و از آنجا که از مهمترین خصوصیات داگروتایپ منحصر به فرد بودن آن است بطور

مسلم منظور تاج الدوله از این تصویر داگروتایی است که در آغاز ورود عکاسی به ایران و به احتمال بسیار قوی توسط ژول ریشار (Jules Richard) از ناصرالدین میرزا در دوران ولیعهدی برداشته شده است.

در تمام ادبیات عکاسی موجود درباره تاریخ عکاسی ایران ذکر شده که ژول ریشار - معروف به ریشار خان - نخستین کسی بود که در سال ۱۸۴۴ میلادی در ایران عکاسی کرد^۲. مرجع نظریه ثبت نخستین داگروتایپ در ایران توسط ژول ریشار برگرفته از کتاب مقالات گوناگون تألیف دکتر خلیل ثقفی (اعلم الدوله) است. این مطالب مستخرج از دستنویس های (یادداشت های) فرانسوی ژول ریشار است که در اختیار دکتر ثقفی بوده و وی آنها را از فرانسه به فارسی ترجمه کرده است. بطور خلاصه نکات مهم این یادداشتها عبارتند از:

“ . . . دهم اکتبر ۱۸۴۴ از تبریز به طرف تهران حرکت کردم . . . در تاریخ بیست و یکم نوامبر يك خانه اجاره کردم که مادام عباس هم در آن منزل دارد . . . پنجم دسامبر توسط مادام عباس پیش ولیعهد رفتم تا عکس او را روی صفحه نقره بیندازم. ولیعهد سیزده چهارده سال دارد ، کوچک اندام است و چهره او چندان بد ترکیب نیست. امروز بیست و یکم دسامبر عید قربان است . . . از آنجا رفتیم پیش ولیعهد که پشت پنجره های ارسی نشسته . . . ”^۳

همانطور که اشاره شد دوستمحمدخان معیرالممالک علاقمند به عکس و عکاسی بود. وی که عکاسخانه ای خصوصی در منزلش برپا کرده بود به کار عکاسی می پرداخت ، و در این میان به تهیه کپی و عکسبرداری از آثار و اشیاء نفیس و با ارزش نیز بسیار پرداخته است . از متن نامه تاج الدوله چنین بر می آید که یا دوستمحمدخان بنا بر تقاضای قبلی قصد امانت گرفتن داگروتایی را داشته که نزد تاج الدوله و در صندوقخانه بوده تا از آن کپی تهیه کند و یا اینکه

۲ - دکتر شهریار عدل طی مقاله‌ای در فصلنامه طاووس مطرح کرده‌اند که روسها حدود دو سال زودتر از ژول ریشار در ایران به عکاسی پرداخته‌اند ، یعنی در سال ۱۸۴۲ میلادی که امپراتور روسیه اولین دستگاه داگروتایپ را به عنوان هدیه به دربار محمد شاه قاجار فرستاد . به همراه دستگاه داگروتایپ نیکلای پاولوف دیپلمات جوان روس که تعلیم عکاسی دیده بود نیز به ایران آمد تا ایرانیان را از نحوه عملکرد دستگاه مطلع کند ، و در تاریخ مذکور نخستین عکس در ایران در حضور محمد شاه قاجار برداشته شد.

۳ - ثقفی ، خلیل (اعلم الدوله) : مقالات گوناگون ، چاپ تهران ، تهران ، ۱۳۲۲ ، صص ۱۴ - ۱۱۳ .

خود تاج الدوله این داگروتایپ را به دوستمحمدخان سپرده تا کاری روی آن انجام دهد که این اختلاف در اصل موضوع که حاکی از وجود يك داگروتایپ از دوران ولیعهدی ناصرالدین شاه در صندوقخانه سلطنتی بوده بی تاثیر است. آنچه مسلم یا قریب به یقین است، اصل داگروتایپ مذکور بنابر تاکید و درخواست خانم تاج الدوله به صندوقخانه بازگردانده شده است چرا که دوستمحمدخان امکان تمرد از امر تاج الدوله را نداشته است .

عکسی که به همراه این سند با ارزش به دست نگارنده رسید همان تصویری است که مرحوم یحیی نکاء در کتاب تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران در صفحه ۱۸۹ ، با شماره پیکره ۲۲۰ در آغاز بخش عکاسی در تبریز به چاپ رسانیده است . عکس دارای کادر افقی و ابعاد ۱۸,۵ x ۱۳ سانتیمتر است .



آقای دکتر مظفر بختیار که با خانواده معیرالممالک نسبت فامیلی دارند ابتدا این عکس را به تنهایی (بدون سند مذکور) در اختیار مرحوم ذکاء گذارده اند ، مرحوم ذکاء در کتاب ” تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران “ در این باره اظهار کرده اند که این تصویر مربوط به کودکی مظفرالدین شاه است نه ناصرالدین شاه. آقای دکتر بختیار این بار عکس را با سند همراه با آن در اختیار اینجانب گذاردند تا بررسی گسترده تری روی آن انجام گیرد. فضا و مکان این عکس با توضیحات و توصیفات ژول ریشار که در کتاب مقالات گوناگون آمده و قبلاً ذکر آن رفت کاملاً مطابقت می کند. یعنی بطور قطع کودکی که در مرکز توجه تصویر قرار گرفته شانی اجل تر از سایرین دارد، از لباس و قرار گرفتن سایر افراد حاضر در عکس برمی آید که این عکس در يك مراسم رسمی برداشته شده است. كودك پشت پنجره های ارسی است و اشاره ژول ریشار به كوچك اندام بودن ولیعهد بسیار به جاست.

در پشت عکس یادداشت هایی درباره محل و تاریخ عکسبرداری نوشته شده که عبارتند از :

(۱) قدیمیترین یادداشت ، که با مرکب آبی بنفش در گوشه سمت چپ پائین آمده و دستخطی است قدیمی که جاهایی از کلمات آن نیز به مرور زمان سائیدگی و رنگ پریدگی دارد اما بهر حال هنوز قابل خواندن است .

” عکس ولیعهدی اعلیحضرت روز سلام

عید قربان سنه ۱۲۶۰ در تبریز

ریشارخان پدر مؤدب الملك حالیه

انداخته . “

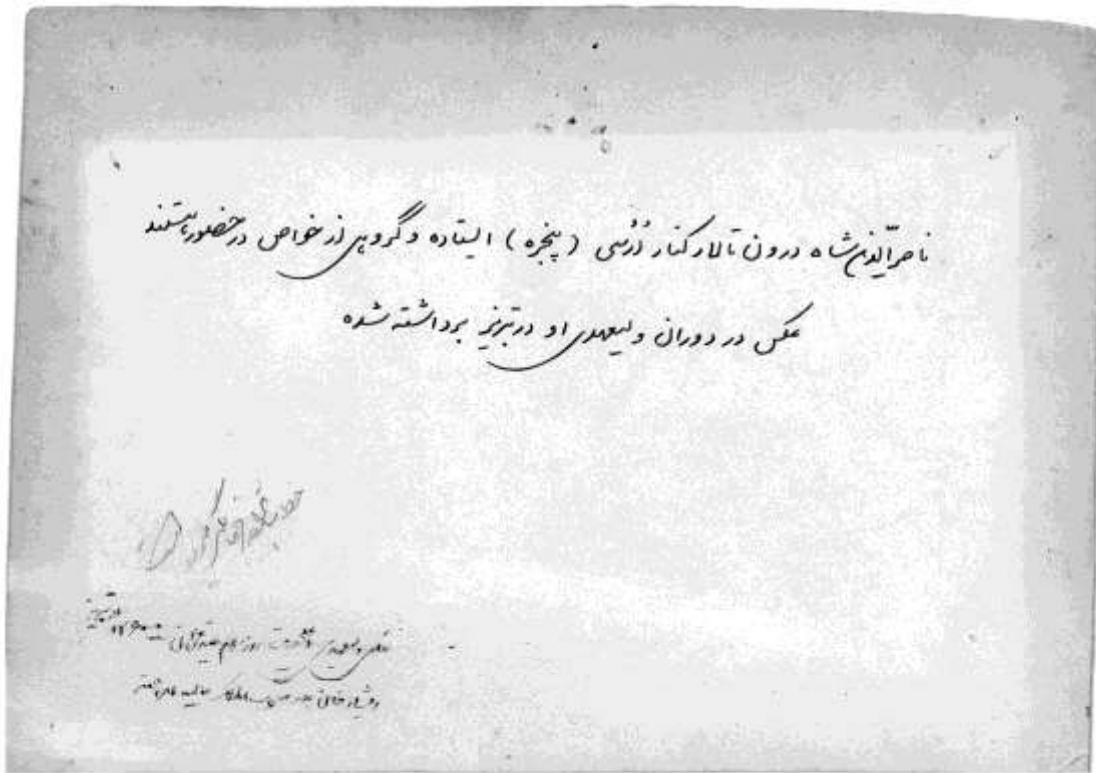
(۲) نوشته دوم باز دستخطی قدیمی و از شخص دیگری است که دستخط

اول را شناسایی کرده است .

” خط شاهزاده جهانگیر میرزا است . “

به نظر دکتر بختیار این دستخط از دوستعلی خان معیرالممالک پسر دوستمحمدخان معیرالممالک است .

۳) نوشته سوم تقریبا معاصر است و مطلب خاصی ندارد.



پشت عکس

همانطور که قبلا ذکر شد جهانگیر میرزا برادر تاج الدوله و دای عصمت الدوله بوده جهانگیر میرزا پس از ازدواج خانم عصمت الدوله و دوستمحمدخان در منزل ایشان سکونت داشته است و از کارگزاران دستگاه معیرالممالک بوده است. خالی از لطف نیست اگر بدانیم عبدالله قاجار عکاس معروف عصر ناصری فرزند جهانگیر میرزا است. در جریان این همنشینی مدام احتمال بسیار وجود دارد که جهانگیر میرزا در جریان اتفاقاتی که در منزل دوستمحمدخان معیرالممالک رخ می داده قرار می گرفته است، بنابراین مطالبی که او در پشت عکس نوشته باید صحیح باشد و اگر با فرض صحت کامل این دستنوشته بخواهیم به بررسی آن پردازیم نخستین مسئله این است که این مطلب سالها بعد از عکسبرداری و یقینا بین سالهای بعد از فوت ریشارخان در شوال ۱۳۰۸ هجری قمری / ۱۸۹۱ میلادی و قبل از ترور ناصرالدین شاه در سال ۱۳۱۳ هجری قمری / ۱۸۹۶ میلادی نوشته شده زیرا در متن از ناصرالدین شاه بصورت شخصی زنده نام برده شده است ولی ریشارخان در قید حیات نیست و از زمان

مرگش مدتها می گذرد زیرا نویسنده ریشارخان را منسوب به پسرش مؤدب الملك معرفی کرده و نه فی ذاته. بنابراین زمان تحریر این نوشته قریب به پنجاه سال بعد از تاریخی است که نویسنده این تصویر را متعلق به آن تاریخ، یعنی سنه ۱۲۶۰ هجری قمری می داند پس به علت فاصله زیاد زمانی و خطای حافظه، نمی تواند چندان سندیت قطعی داشته باشد.

اگر بخواهیم به بررسی عکس و نامه به موازات هم پردازیم و اصل را بر یکی دانستن این تصویر با همان تصویری که تاج الدوله برای دوستمحمدخان فرستاده بگذاریم این نکات مطرح می شوند:

خانم تاج الدوله از يك فقره عکس پارچه نقره مربوط به ولیعهدی ناصرالدین شاه نام برده و شاهزاده جهانگیر میرزا این تصویر را عکس ولیعهدی ناصرالدین شاه دانسته و در یادداشت خود اشاره ای به کپی بودن این تصویر از يك داگروتایپ ندارد در صورتیکه خود این تصویر داگروتایپ نیست بلکه يك چاپ آلومینه و بر روی کاغذ حساس عکاسی است. صرفنظر از این نکته و به فرض اینکه جهانگیر میرزا زمانی که یادداشت را پشت عکس نوشته تفاوتی میان اصل و کپی قائل نشده، باز احتمال اینکه این عکس يك کپی از همان داگروتایپی باشد که تاج الدوله در نامه خود به آن اشاره کرده که در زمان ولیعهدی ناصرالدین شاه در تبریز برداشته شده، وجود ندارد زیرا با توجه به مستندات تاریخی ناصرالدین میرزا حدوداً شانزده ساله بود که به تبریز رفت و سن کودکی که در تصویر وجود دارد بسیار کمتر از شانزده سال است.^۴

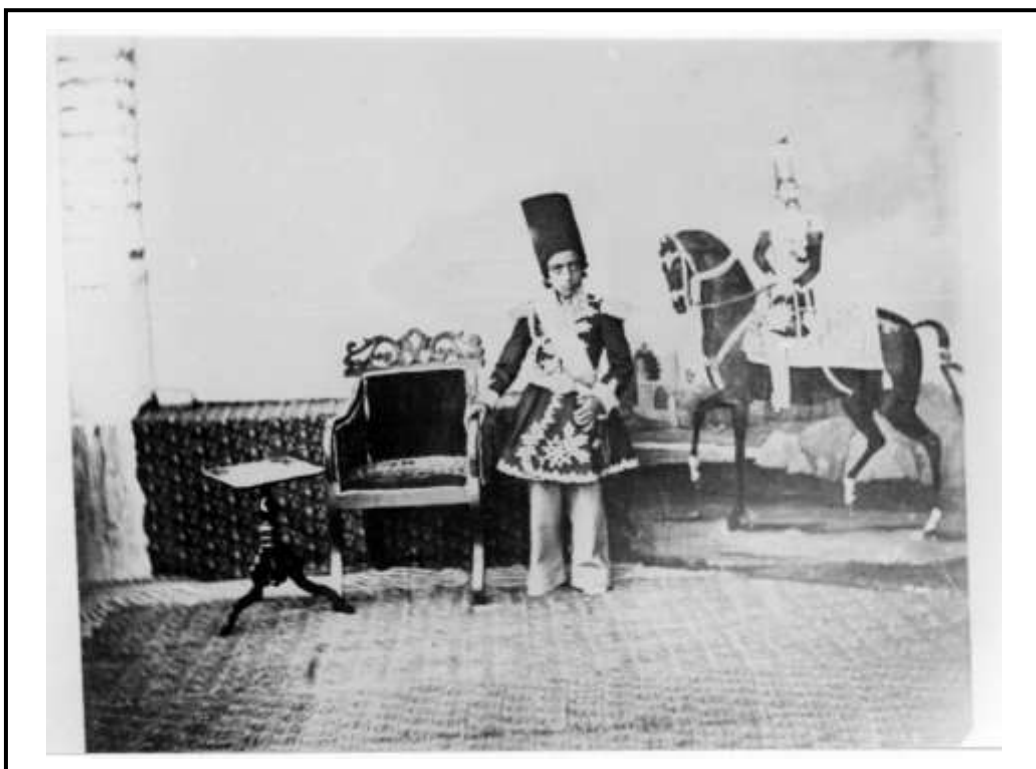
حال اگر فرض را بر این بگذاریم که تاج الدوله در مورد محل عکسبرداری اشتباه کرده و این تصویر يك کپی از اصل داگروتایپی است که در زمان ولیعهدی ناصرالدین شاه در تهران، توسط ژول ریشار و یا حتی دو سال زودتر توسط روسها برداشته شده، باید به این نکته توجه مهم کنیم که در سالهای ۴۴ - ۱۸۴۲ زمان نوردهی برای تهیه داگروتایپ چیزی در حدود و یا بیشتر از هشت دقیقه بوده تا تصویری با کیفیتی مطلوب ثبت شود و اگر این تصویر با زمانی در حدود هشت دقیقه نوردهی به ثبت رسیده باشد ثابت ماندن تمام افراد حاضر در تصویر به گونه ای که مشاهده می شود غیر ممکن است و این عکس با زمان نوردهی بسیار کمتر از آنچه که برای ثبت يك داگروتایپ در آن تاریخ لازم بوده به ثبت رسیده است. نکته بسیار مهم دیگری که می توان به آن پرداخت بررسی شباهت بین کودک حاضر در عکس با نقاشی های به جا مانده از کودکی ناصرالدین میرزا است که توسط سولتیکف نقاش روسی و کمال الملك ترسیم

^۴ ناصرالدین میرزا ولیعهد به علت شورش شاهزادگان مخالف با محمدشاه در آذربایجان و ناآرامی اوضاع تبریز در سال ۱۲۷۴ هجری قمری به آذربایجان رفت

شده است و تعدادی از این نقاشیها از روی داگروتایپ هائی که از ناصرالدین میرزا در کودکی و نوجوانی برداشته شده بوده تهیه شده است. می بینیم که شباهت زیادی بین این كودك و تصایر کودکی ناصرالدین میرزا مشاهده نمی شود .

با در نظر گرفتن هر يك از این نکات این تصویر، يك كپی از همان داگروتایپی نیست که تاج الدوله در یادداشت خود به آن اشاره کرده و بهتر است بپذیریم که این عکس و سند بعدها و به اشتباه در کنار هم قرار گرفته اند و این نامه مربوط به تصویر دیگری بوده است . صرفنظر از این موارد، آنچه که مهم است ارزشمندی سندی ایرانی است که طی آن تاج الدوله همسر ناصرالدین شاه به وجود داگروتایپی از دوران ولیعهدی ناصرالدین شاه در بیوتات و صندوقخانه شاهی اشاره می نماید ، پس این داگروتایپ موجود بوده اما متأسفانه مفقود شده و یا از بین رفته است. به احتمال قریب به یقین اگر مقصود از ”عملی“ که دوستمحمدخان قرار بوده روی آن انجام بدهد، تهیه كپی از آن بوده باشد میتوان انتظار داشت که این كپی روزی در بین عکسهای به جا مانده از دوستمحمدخان معیرالممالك که متأسفانه بسیار پراکنده اند ، شناسائی شود .

بنابر اظهارات آقای نكاء كودك حاضر در تصویر (تصویر اصلی) مظفرالدین میرزای ۸ - ۷ ساله است ، اما با توجه به عکسهایی که از کودکی مظفرالدین میرزا در حدود ۸ سالگی وی شناسایی شده و موجود است کودکی که در این تصویر دیده می شود با مقایسه و در نظر گرفتن جثه و نسبت قد او با صندلی و قد اطرافیان بزرگتر از ۸ - ۷ سالگی مظفرالدین میرزاست .



عکس های مظفرالدین میرزا در هشت سالگی .

در عین حال تفاوت های ظاهری اندکی نیز در چهره کودکی مظفرالدین میرزا و کودک حاضر در عکس مشاهده می شود این تفاوت ها در چشم و شکل ابروها و پهنا و فرم صورت به چشم می آیند (به دلیل ریزنما بودن صورت کودک در تصویر اصلی نمی توان اظهار نظر قطعی کرد) ولی به طور کلی با توجه به این تفاوتها این کودک ، مظفرالدین میرزا هم نیست .



مرحوم ذکاء با اصل قرار دادن مکان عکسبرداری در تبریز عکاس این تصویر را با شك و تردید به ملك قاسم میرزا یا حاج یعقوب میرزا عکاسباشی نسبت می دهد و سال تهیه عکس را سال ۱۲۷۸-۱۲۷۷ هجری قمری می دانند اما حتی اگر این عکس را تصویری از کودکی مظفرالدین میرزا بدانیم ، با توجه به تاریخ تولد مظفرالدین شاه در سال ۱۲۶۹ هجری قمری (۳ / ۱۸۵۲ میلادی) و سن تقریبی کودک در عکس (حدود یازده سال) و با توجه به اینکه ملك قاسم میرزا در سال ۱۲۷۷ هجری قمری چشم از جهان فرو بسته ، این فرض نیز ممکن نیست . مگر اینکه ملك قاسم میرزا این تصویر را از شخص دیگری و تا قبل از سال ۱۲۷۷ هجری قمری ثبت کرده باشد .

در مورد تشخیص هویت کودک این امکان قویتر است که این کودک شخص دیگری بجز ناصرالدین میرزا و مظفرالدین میرزا باشد ؛ شاهزاده ای که در جانی می زیسته و یا یکی از سه ولیعهدی که قبل از مظفرالدین میرزا درگذشته اند . پاره ای شباهت های ظاهری بین کودک ایستاده در این تصویر و عکسهای کودکی کامران میرزا (تاریخ تولد کامران میرزا نوزدهم ذی

الحجه ١٢٧٢ هجری قمری است) وجود دارد ، اما بهرحال برای اظهار نظر قطعی درباره
هویت این کودک نیاز به ادله محکم تری داریم .